

کارگران جهان
متحد شوید!

۲۱۲

۶ خرداد ۱۳۸۳ - ۲۶ مه ۲۰۰۴

ایسکرا

Iskra

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

به مناسبت:
هفته منصور حکمت
۵ - ۱۲ ژوئن ۲۰۰۴

در این هفته برنامه های متعدد و متنوعی در معرفی منصور حکمت،
در افزوده های او به مارکسیسم، در کشورهای مختلف برگزار میشود.
حزب کمونیست کارگری ایران شما را به شرکت در این برنامه ها دعوت میکند.

حزب کمونیست کارگری ایران



اساس سوسیالیسم
انسان است.

سوسیالیسم جنبش
باز گرداندن اختیار
به انسان است.

منصور حکمت

مصاحبه با منصور حکمت به مناسبت دهمین
سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران

این مصاحبه که حاوی نکات مهمی در باره مباحث حزب و قدرت سیاسی و حزب و جامعه است در تاریخ ۹ آذر ۱۳۸۰ با منصور حکمت
انجام گرفته است که قرار بود ادامه داشته باشد، اما متأسفانه به دلیل شدت گرفتن بیماری منصور حکمت ادامه پیدا نکرد. این مصاحبه
آخرین اثر منصور حکمت در انترنایونال هفتگی است. ایسکرا

صفحه ۳

ایسکرا

سردبیر: ایرج فرزاد

iraj_farzad@yahoo.com

فکس: 00448701687574

تلفن: 0046739555085

چهارشنبه ها منتشر میشود

نفرت از
جمهوری
اسلامی مرز
ندارد

حامد خاکی صفحه ۴

در صفحات دیگر:

۱۸ تیر در راهست

پیام بهرام مدرسی به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر
از میان اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

گریز از
اعتراف به
شکست

نگاهی به سخنان
اخیر بوش

ایرج فرزاد صفحه ۲

رادیو انترنایونال

۲۱ متر، ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

هر شب ساعت ۹

بوقت تهران

به دیگران اطلاع دهید

radio7520@yahoo.com

رادیو انترنایونال روی اینترنت

www.radio-international.org

مدیر رادیو انترنایونال:
سیاوش دانشور

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

پیام بهرام مدرس دیر سازمان جوانان کمونیست به مناسبت سالگرد ۱۸ تیر

تهدید و اخراج از دانشگاه تا فریب و دسیسه و توطئه، رژیم اما ضعیف تر، شکننده تر و بیمار تر از آن است که بتواند مانع ما شود، باید از این فرصت استفاده کرد و امسال بزرگتر و باشکوه تر از هر سال هیجدهم تیر را برگزار کرد. باید ۱۸ تیر را به روز سراسری اعتراض به رژیم اسلامی تبدیل کرد و نه تنها توان سرکوب و حمله، که توان حکومت کردن و کش دادن اوضاع را از او گرفت.

در ۱۸ تیر امسال با شعار آزادی و برابری، با شعاری که ۱۶ آذر تبدیل به شعار ما شد، به میدان بیاییم. در محلات و مراکز تحصیلی، در خوابگاهها و دانشگاهها، در هر کجا که هستیم با شعار آزادی و برابری، رژیم را یک گام دیگر به پرتگاه نزدیک کنیم.

سازمان جوانان کمونیست در پیشاپیش این نبرد است و به استقبال هر چه باشکوه تر برگزار کردن این اعتراض علیه موجودیت جمهوری اسلامی میرویم. به ما پیوندید!

زنده باد آزادی!
زنده باد برابری!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد جمهوری
سوسیالیستی!

بهرام مدرس

۵ خرداد ۱۳۸۳

۲۵ جون ۲۰۰۴

www.jawanan.org

mail: bahram-modarresi@freenet.de

Tel: 0049- 174 944 02 01

کننده ای که نجات مدنیت جامعه عراق به آن گره خورده است، همان نیروی عظیم جهان متامن است که در آستانه تعرض به عراق به خیابان آمدند، آن نیروی است که در داخل جامعه عراق مدافع مدنیت، حکومتی غیر دینی و غیر قومی و دارای حزب و برنامه برای رفاه و آزادی و خوشبختی مردم عراق است. این دو نیروها باید فعالانه به میدان بیایند و مردم عراق را از سقوط به پرتگاه سناریو سیاه و جنگها و انتقام جوئیهای قومی و ملی نجات دهند. ■

۱۸ تیر، علیه رژیم اسلامی!

برای آزادی و برابری! جوانان، دانشجویان و مردم آزادیخواه!

به هیجده تیر، روز اعتراض و اقدام برای رها شدن از شر رژیم اسلامی نزدیک میشویم.

این روز ما دانشجویان، جوانان، مردم و زنان و مردان به تنگ آمده از حکومت قرون وسطایی اسلامی است. جنبش سرنگونی طلبی مردم ایران مهرش را بر ۱۸ تیر حک کرده است.

ما سنت هیجده تیر را بنا نهادیم. سنت اعتراض و حمله به حکومت انسان ستیز اسلامی در ایران. در این سنت جوانان و دانشجویان در صف مقدم این اعتراض قرار دارند و دانشجویان و جوانان چپ و کمونیست فعالترین و پیشاتازترین بخش و مبشر ایده های سوسیالیستی و انسانی در دل این جنبش اند.

هیجده تیر روز اعتراض به سرتپای رژیم نکبت اسلامی ایران و همه جوانب زن ستیزانه، خفقان، فقر و بی حقوقی است. به این اعتبار روز همه مردم آزادیخواه است و امسال باید نه تنها دانشگاهها و خیابانها، که حتی کارخانه ها و محل های کار و سرتاسر جامعه فضای ۱۸ تیر بخود بگیرد.

رژیم اسلامی ایران همه تلاش اش را برای ایجاد مانع در مقابل ما بکار انداخته است. از ارباب و

میکنند. این تصاویر و این کارنامه یک ساله اجرای "آزاد سازی" نظم نوینی و تغییر رژیمهای "دیکتاتوری" از طرق "دمکراتیک" که موارد برجسته آن ارمغانهای دمکراسی نظم نوینی را در ابوغریب و کشتار مردم فلوجه شهادت بودیم، به نحو برجسته ای هوی و هوسها و ذوق و شوق جریانات ناسیونالیست پرو غرب در اپوزیسیون رژیم اسلامی را به یاس و ناامیدی و آنان را زمینگیر و ساکت و بهت زده کرده است. آن فاکتورها مهم و آن نیروی تعیین

سرخرمن داده شده است که خود را برای انتخابات ژانویه ۲۰۰۵ آماده کنند. به این ترتیب تمام وعده وعیدهای کاغذی در مورد اداره فدرالی عراق دود شدند و به هوا رفتند. اما بحث وعده انتخابات و

عروج رهبران مردم عراق در آن پروسه، فعلا یک سیاست دفع الوقت است و بیشتر به منظور کم کردن فشاری است که افکار عمومی جهان و افکار عمومی مردم آمریکا بویژه پس از افزایش جنایات شکنجه زندان ابوغریب و تعداد رو به افزایش تلفات نیروهای آمریکا بر حکومت بوش گذاشته است. به همین دلیل، بوش، در سخنرانش، صریح و بدون ابهام در مورد اینکه آیا او نیروهای ارتش آمریکا را از عراق خارج میکنند یا سخ رد داد. بوش گفت در "مشورت با فرماندهان عالی ارتش آمریکا" نتیجه گرفته است که حضور ۱۱۵ هزار از ارتش آمریکا در عراق کافی است، اما در شرایط فعلی و بخاطر حاد بودن اوضاع ۱۳۸ هزار را نگاه میدارند و بلافاصله هم اضافه کرد اگر همان مشاورین نظامی ترجیح بدهند، "دستور خواهد داد" تعداد بیشتری نیرو به اعزام شود. اما خود همین مساله بازی با آتش است، با ضرب قدرت نظامی و با مشاهده صحنه های سناریو اشغال عراق و سیاست دست بر ماشه، نه نظم و نه امنیت و نه هیچ فضائی برای انتخابات آزاد و بازسازی عراق دست نمیدهند.

سیاست نظم نوین و سیاست تغییر رژیم بوش دارد به شکست می انجامد، "دوستان" آمریکا دارند فاصله میگیرند و بی اعتمادی به قدرت دولت آمریکا برای تبدیل شدن به مقام ژاندارمی جهان دامنه وسیعی گرفته است. اعتراض مردم آمریکا با آشکار شدن ابعاد هزینه سنگین تلفات انسانی ارتش آمریکا بالاتر رفته است و عراق که در آستانه سقوط به فروپاشی و تجزیه کامل بین فرقه ها و سکنهای قومی و مذهبی قرار گرفته است، نمونه شاخص و عملی شده نظم نوین و سیاست تغییر رژیم است. در چنین اوضاعی است که "رهبران" اقوام مختلف شناسنامه قومی برای شهرهای عراق و از جمله مهمترین منطقه درگیری بر سر این مساله یعنی کرکوک صادر

گریز از اعتراف به شکست سیاست نظم نوینی تغییر رژیمها

نگاهی به سخنان اخیر بوش

ایرج فرزاد

فاکتورهای دیگری در عراق میروساند و بوش هم در سخنرانش به آنها میپردازد. بحث انزوای دولت آمریکا از جانب "دوستان" و بی تفاوتی نسبت به سرنوشت سیاستهای دولت آمریکا است. بلر، یار غار بوش خود در صحنه سیاست داخلی انگلیس تحت فشار شدید است و بحث برکناری او در درون حزب لیبر بشدت مطرح است. یاس در تشویق سایر دولتها برای حمایت را، بوش با نشان دادن برگ زیتون در جریان سخنرانش، و وعده سپردن سرنوشت عراق به حکومتی "منتخب" اعلام کرد. او در ۲ شرط از ۵ شرط استقرار "نظم" در عراق تصریح کرد که باید "عراق را به عراقیها" سپرد. و در سه پیش شرط دیگر به مساله بازسازی عراق، جلب حمایت دولتهای دیگر و برقراری امنیت پرداخت، اما بطور تلویحی هم اعتراف کرد که کوششهای دولت آمریکا برای تحمیل دولت و نظم مورد حمایت مردم عراق به شکست انجامیده است و به این خاطر تاکید کرد که باید "رهبران واقعی مردم عراق در یک پروسه انتخاباتی"، "عروج کنند" که معنی این جمله و این شرط بسیار روش است. آمریکا به دست پروردگان خود اعتماد ندارد.

برکناری چلبی و بازرسی منزل مسکونی او به دلیل "اطلاعات نادرستی که چلبی در رابطه با وجود سلاح کشتار جمعی" بعنوان توجیه بین المللی حمله به عراق به پنتاگون و سیا و حکومت آمریکا داده بود، اولین قربانیهای مهره های دستکرد است. حقوق ماهیانه ۳۲۷ هزار دلاری به "کنگره ملی عراق" که چلبی در راس آن قرار دارد، قطع شد و چلبی بعنوان پاسخی به فشار افکار عمومی جهان و افکار عمومی آمریکا با یک ضربه تک پا بسادگی برکنار و تحقیر شد. در همان حال بعد از تعویض برمر با الاخضری، طرح دولت انتقالی بعدی، هیچکدام از عناصر فعلی شورای حکومتی را شامل نمیشود و به آنها وعده

آنچه که در پیششاروی ماست، ترجمان عملی و اجرای کامل سیاست نظم نوین و سیاست "تغییر رژیم" بوش در عراق است. کشوری ویرانه، صحنه درگیریهای خونین و انفجار بمبهای انتحاری، پرتاب شدن حاشیه ای ترین و مرتجع ترین نیروهای سیاه، بعنوان رهبران "مقاومت"، فقدان هر نوع امنیت جانی برای شهروندان و تعطیلی کامل سوخت و ساز تولیدی، اجتماعی و زندگی در آن ویرانه. اعتراضاتی که به شکنجه های شنیع اسرای زندان ابوغریب شد و تکانی که به وجدان بشری در این رابطه وارد آمد، فقط گوشه ای از کل سناریویی که سیاست دست بر ماشه بوش و بلر برای مردم عراق و مردم منطقه به بار آورده است را میپوشاند. این سیاست قابل دوام نیست و به راه دیگری جز سوق دادن جامعه عراق به قعر سناریو سیاه منتهی نمیشود.

فشار به حکومت بوش برای خارج کردن نیروهای نظامی مدام رو به افزایش گذاشته است هم به دلیل آمار صعودی تلفات سربازان آمریکائی و هم به دلیل رو آمدن نتایج سیاست تغییر رژیم و نظم نوین در برابر جهانیان. بوش در سخنرانی اش در بامداد روز سه شنبه این هفته، دقیقاً به این وجه مساله آگاه است و میداند که تسلیم به این فشار به معنی قبول شکست در دو زمینه است: شکست سیاست نظم نوین و شکست تغییر رژیم در عرصه سیاست جهانی و در نتیجه شکست پروژه احراز مقام ژاندارمی جهان، و شکست بوش در زمینه سیاست داخلی آمریکا. این مساله از منظر انتخابات پیش رو برای بوش یک امر جدی و غیر قابل صرف نظر است. اما جلوگیری از شکست، پرداخت بهای بیشتری را میطلبد و رفتن به پای قمار است که احتمال باز زندگی در آن بسیار بالاست. این عامل است که ما را به بررسی

مصاحبه با منصور حکمت

ما به پرچمدار کمونیسم در ایران امروز تبدیل شده ایم

فاتح بهرامی: ۳۰ نوامبر

امسال دهمین سالگرد تشکیل حزب است. دهسال پیش، در شرایطی که از فروپاشی بلوک شرق مدت زیادی نگذشته بود و هجوم نظری و سیاسی سرمایه داری جهانی به اندیشه سوسیالیستی و آرمانهای آزادیخواهان بشر سیمای سیاسی جهان را ترسیم میکرد، در جریان اختلافات درونی حزب کمونیست ایران در دوره جنگ خلیج شما اعلام کردید که از آن حزب جدا میشوید و حزب دیگری درست میکنید، حزب کمونیست کارگری ایران محصول این تصمیم بود. امروز پس از یک دهه ارزیابی شما از این تصمیم و جایگاه حزب چیست؟

منصور حکمت: صحت

این تصمیم اکنون دیگر باید برای همه عیان باشد. اعلام جدایی من از حزب کمونیست ایران برای تشکیل حزب کمونیست کارگری و بعد پیوستن اکثریت رهبران و کادرها و فعالین آن به حزب جدید، همانطور که همانموقع در مقطع جدایی گفتم، از نظر من یک تصفیه مثبت بود. ایجاد یک حزب جدید یک راه سیاسی اصولی و واقعبینانه برای تصفیه حزب قدیم بود. بجای تصفیه تشکیلاتی، ما همفکران خود را که اکثریت آن سازمان بودند به حزب نویسی بردیم. آن روزها برخی به ما خرده می گرفتند که شما که در حزب کمونیست ایران اکثریت دارید چرا سیاست خود را در همان حزب دنبال نمیکنید. تحلیل ما این بود که حزب کمونیست ایران ائتلافی از جنبشها است که کمونیسم کارگری فقط یکی از آنهاست. گرایشهای اجتماعی دیگر را نمیتوان با تصمیمات تشکیلاتی و "مدیریت صحیح" به پیاده کردن سیاستهایی

و اداری کرد که خلاف منافع خود میبینند. وقتی قطب سرمایه داری در شوروی آغاز به فروپاشی کرد، مارکسیسم خواه نا خواه در سطح جهانی زیر فشار قرار گرفت و نفوذ و اعتبار خود در میان ناراضیان و جنبشهای سیاسی مختلف را از دست داد. "از مد افتاد". گرایشهای غیر مارکسیستی در حزب کمونیست ایران هم همراه این پدیده جهانی بی افق و پاسیو شدند و به یک وزنه به پای حزب بدل شدند. وقتی در جنگ آمریکا با عراق، ناسیونالیستهای کرد در سلیمانیه و ارییل "دولت" تشکیل دادند، ناسیونالیسم کرد در درون حزب کمونیست ایران هم به فکر "انقلاب علیه کمونیسم" در حزب کمونیست ایران افتاد. برای ما ماندن در آن حزب و نگاهداشتن موازنه و مدیریت کردن میان این گرایشها که دیگر به نقطه عطفهای تاریخی ای در حیات خود رسیده بودند، امری عبث بود. ما یک حزب کمونیست کارگری میخواستیم که درست در آن شرایط حاد ضد کمونیستی پرچم کمونیسم را بر

افراشته تر کند و به مصاف های جدیدی که در مقابل کمونیسم قرار میگرفت با اشتها و با حرارات پا بگذارد. اینکار در آن حزب ائتلافی ممکن نبود. جدایی باید صورت میگرفت. روش ما یک تصفیه مثبت بود. نیروی خود را بیرون کشیدیم و بدون دغدغه سر و کله زدن با طرفداران بانک جهانی و فوکویاما و طالبانی یک حزب سیاسی جدید با یک برنامه کمونیستی تعریف شده ساختیم. یادآوری میکنم که اسناد و مقالات متعدد مربوط به جدایی ما در دهسال قبل و تشکیل حزب کمونیست کارگری ایران وسیعاً منتشر شده و من خواندن آنها را به همه علاقمندان تاریخ کمونیسم در ایران توصیه میکنم.

اکنون یک مسیر دهساله طی شده است. اکنون هرکس میتواند ببیند که راههایی که ما و گرایشهای دیگر در آن حزب قدیم رفته ایم چقدر با هم متفاوت است. حزب کمونیست کارگری اکنون بینش و روش و موازن و اصول سیاسی و عملی ای دارد که بر یک روایت متفاوت از کمونیسم بنا شده است. روایتی که در انقلاب ۵۷ مطرح کردیم و تمام تاریخ زندگی سیاسی بسیاری از ما در این دو دهه، تلاش برای تبدیل کردن این مارکسیسم به یک نیروی قوی و معتبر سیاسی بوده است. در این دهسال سیمای فکری و سیاسی و عملی حزب کمونیست کارگری بسیار تدقیق شده است. موافق و مخالف ما میتوانند به روشنی جایگاه سیاسی ما را در صحنه پرچمدار کمونیسم و آلترناتیو کمونیستی در ایران امروز تبدیل شده ایم. مردم ایران کمونیسم را با حزب کمونیست کارگری تداعی میکنند.

یک گام مهم در مسیری که ما طی کرده ایم، بحث های مربوط به "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" بوده است. چپ های کارگر-دوست ایران سنتا حزب کمونیستی را حزبی تعریف کرده اند که برای کارگران و برای دفاع از منافع کارگران ساخته میشود. معمولاً کارگری در این چپ سنتی با کارگرنوازی و خوش بش محفلی با کارگران معنی شده است. اما در کمونیسم ما حزب

کمونیستی حزبی است که طبقه کارگر برای نجات جامعه میسازد. حزبی که میخواهد در جدال بر سر قدرت سیاسی که کلید دست بردن به بنیاد اقتصادی جامعه است، طبقه کارگر و راه حل طبقه کارگر برای بشریت را نمایندگی کند. جدال اساسی بر سر قدرت و سرنوشت جامعه است و حزبی که در صحنه جدال قدرت و صفتبندی اجتماعی در مقابل احزاب جنبشهای طبقات دارا حضور نداشته باشد، تا چه رسد به اینکه اصولاً معتقد نباشد باید حضور داشته باشد، نه کارگری است و نه کمونیستی است. درک این حقیقت ابتدایی مارکسیستی و مقابل قرار دادن آن با تلقی های سنتی چپی که مرغ عزا و عروسی در تاریخ معاصر بوده و به حاشیه ای بودن عادت کرده و اکنون دیگر افتخار هم میکند، یک تحول مهم در کار حزب ما ایجاد کرده است. ما ضعف زیاد داریم و فرصت زیاد از دست میدهم. اما اکنون دیگر یک معضل بنیادی را حل کرده ایم و آن فهم ضرورت مدعی قدرت بودن حزب کمونیستی است. درک ضرورت یک حضور اجتماعی. با این نگاه به وظایف و جایگاهمان، لااقل روی خط درستی برای پاسخگویی به نیازهای مبارزه کمونیستی قرار گرفتیم.

از انترناسیونال هفتگی

شماره ۸۲

۹ آذر ۱۳۸۰ - ۳۰ نوامبر ۲۰۰۱

به استقبال ۱۸ تیر برویم! زنده باد آزادی، زنده باد برابری!

اعتراضات و اجتماعات بیست خرداد تا هیجده تیر سال گذشته، که به "انقلاب شبانه" معروف شد، نگاههای جهان را بطرف ایران برگرداند. همه فهمیدند که ظرفیتهای جنبش انقلابی برای سرنگونی ارتجاع سیاسی در ایران، شور و رادیکالیسم جوانان برای نفی وضع موجود عظیم است. همه فهمیدند که رژیم و جناحهایش در کنترل و به خانه فرستادن مردم شکست خورده اند. و از همه مهمتر، نگاهها را به جوهر این اعتراضات یعنی پرچم و خواست آزادی و برابری برگرداند. در خارج از

اعتراضات مداوم دانشجویی، اعتراضات زنان و جوانان به آپارتاید جنسی، جنبش نفی قوانین اسلامی و بالاخره برگزاری مراسم های اول مه و اعتراض شکوهمند جهانی برای آزادی دستگیرشدگان اول مه سقز، فضای سیاسی یکسال گذشته جامعه ایران را تشکیل داده اند. اینها حلقه هایی از یک جنبش واحد آزادیخواهان اند که بیست خرداد و هیجده تیر سال گذشته را به امروز وصل میکنند. امسال نیروی به مراتب وسیعتر میتواند به میدان بیاید.

۱۸ تیر در راه است. این روز همه مردم معترض است. روز کارگران پتروشیمی و ایران خودرو و شهریارک است. روز کارگران بیکار است. روز زنان معترض است. روز معلمان و پرستاران است. روز مردم بم و ایذه و کامیاران و شاهین شهر است. روز دانشجویان و جوانان محروم و معترض است. این روز همه مردم آزادیخواه و خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی است. باید ابتکار عمل را در خیابان و دانشگاه و کارخانه بدست گرفت و ارتجاع را از هر سو منزوی کرد. به استقبال ۱۸ تیر برویم. ما اکثریت مردم شریف و محروم جامعه ایران این وضعیت را نمیخواهیم. خواست همه ما یکی است: ما سرنگونی حکومت اسلامی و آزادی و برابری میخواهیم!

هیجده تیر در داخل و خارج پرچم آزادی و برابری را برافرازیم! خواهان آزادی بی قید و شرط کلیه زندانیان سیاسی شویم. جنایت خاتون آباد و شهریارک را محکوم کنیم. از آزادی بیقید و شرط بیان و تجمع و تحزب دفاع کنیم! خواهان لغو مجازات اعدام شویم! برابری زن و مرد را فریاد بزنیم! علیه کل ارتجاع حکومتی و موثلفین اش بیخیزیم و اعلام کنیم زنده باد جامعه ای انسانی، آزاد و برابر برای همگان!

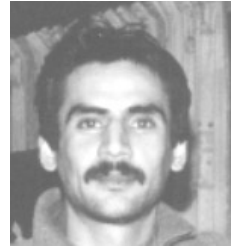
**زنده باد آزادی
زنده باد برابری
حزب کمونیست
کارگری ایران**

۳۰ اردیبهشت ۱۳۸۳

ایران در شهرهای مختلف جهان بزرگترین اجتماعات ایرانیان با شعار آزادی و برابری سازمان داده شد. به موازات این پیشروی توهمن دست راستی "بعد از عراق نوبت ایران است" و شعارهای بی ربطی مانند "رفرانوم و مقاومت مدنی"، در خیابانها نقد و به کناری انداخته شد. از سال گذشته تا امروز، جنبش سرنگونی گامهای بیشتری به جلو برداشته و بی وقفه در تب و تاب بوده است. اعتراضات توده ای و قیامهای شهری در ایذه، سمیرم، اصفهان، مریوان، بانه، دماوند، فریدن کنار، لاهیجان، شاهین شهر و کامیاران از یکطرف و از طرف دیگر اعتصابات و تظاهراتهای کارگری که با تپش منظم و قدرتی گسترده تر در تمام طول سال در جریان بوده است، اجتماعات و تحصن های سراسری معلمان، اعتراضات پرستاران،

نفرت از جمهوری اسلامی مرز ملی و جغرافیایی ندارد

در حاشیه سخنان جلالی پور در شب ۲ خرداد



حامد خاکی

حکومت اسلامی بلکه بر ضد استبداد سلطنتی و برای تحقق آزادی و برابری بود، انقلابی که به خون نشست و توسط ارتجاع هار مذهبی به کمک حمایت‌های بیدریغ دول غربی مورد وحشیانه‌ترین سرکوبها قرار گرفت. از ۲۲ بهمن ۵۷ تا ۳۰ خرداد ۶۰ از دانشگاه‌های تهران و تبریز تا اصفهان و تا مراکز کارگری جنوب، تا شیراز و تا کردستان و ترکمن صحرا و در یک کلام تمام ایران صحنه جدالهای خونین بین اویاش به قدرت رسیده و آزادیخواهان بود. وسیع‌ترین کشتارها را از مردم انقلابی و آزادیخواه کردند. برعکس آنچه جلالی پور می‌گوید این جنگی نبود فقط بین حکومت مرکزی و مردمی ساکن در یک منطقه جغرافیایی معین که گویا در مرکز از مقبولیت و مشروعیتی برخوردار بوده، بلکه این جدال بین ارتجاع و آزادیخواهی بود، این جنگ برابری طلبی و عقب‌مانده‌ترین پاسداران بورژوازی بود. جمهوری اسلامی نه از نیروی انقلاب بلکه از کنفرانس گوادلوپ برآمده بود. این رژیم را نه مردم بلکه ژنرال‌های غرب با حمایت‌های مالی بورژوازی جهانی و میدیای وسیعشان سرکار آوردند. بهشتی و خینی و طالقانی و امثالهم را نه مردم بلکه حاضرین در کنفرانس گوادلوپ به سرکوب انقلاب مامور کردند.

از همان روزهای اول به قدرت رسیدن وحشیانه‌ترین سرکوبها را راه انداختند و همان موقع همپالگهای آقای جلالی پور، از

جمله رفسنجانی، عربیده می‌کشیدند که «دانشگاهها را ببندید که حوزه اعزاز نیرو به کردستان و ترکمن صحرا شده‌اند» مقاومت مردم انقلابی برای دفاع از دستاوردهایشان محدود و محدودتر می‌شد و نهایتاً اینکه حضور علنی همه نیروهای انقلابی به کردستان و ترکمن صحرا محدود شد، اما همان موقع و از همان موقع تا حال نیز مردم کردستان در جدال و تقابل با این رژیم کثیف تنها نبوده‌اند. این رژیم در همه نقاط ایران مورد نفرت و انزجار وسیع و عمیقی است. مقاومت و مبارزه علیه آن در تمام طول حیاتش در سراسر ایران وجود داشته و این تنها محدود به منطقه‌ای مشخص نیست. مبارزهای که خوشبختانه می‌روند که نفسهای آخر این رژیم را بگیرد. جمهوری اسلامی نیز در ادامه سیاستهای دوران استبداد پهلوی و بسیار فراتر از آن، به کردستان لشکر کشی کرد، کشتار راه انداخت که همین آقای جلالی پور یکی از مجریان این کشتارها و اعداها بوده است. به این ترتیب رژیم اسلامی مساله کرد را پیچیده تر کرده است. اما نه این همه داستان نیست، و نه راه حل مساله کرد با وجود این قبیل رژیمها ممکن است، وجود این رژیم برای مردم چه در کردستان و چه در سراسر ایران مترادف بی حقوقی، فقر و محرومیت، ارتجاع و وحشیگری و کشتار و زندان و اختناق بوده و هست.

مساله کرد نیز با سرنگونی این رژیم هار به راحتی قابل حل است. تنها کافی است سایه این رژیم کثیف از سر مردم کم شود و مردم بتوانند یک بار برای همیشه برای حل این مساله در یک رفتارندم آزاد رای بدهند. و اینها تنها در گرو تقویت کمونیستها است. ■

از میان اطلاعیه های کمیته کردستان حزب

تهیه و تنظیم از اسماعیل ویسی

بعد از ده روز تلاش و مقاومت و رور در رویی آشکار مردم آزادیخواه با حکومت اسلامی ایران در رابطه با دستگیر شدن اول ماه سقز، و بوجود آمدن صفی از همبستگی جهانی که حزب کمونیست کارگری ایران در این رابطه نقش اساسی و محوری را داشت،

مهدی حسینی در روز ۱۱ مه، روز چهارشنبه ۱۲ مه ۲۰۰۴ نیز بقیه دستگیر شدگان "محمود صالحی، برهان دیوانگرد، هادی تنومند، اسماعیل خودکام، محمد عبدی پور و محسن حکیمی در میان استقبال گرم و تقدیم گل از جانب کارگران و مردم مبارز شهر سقز و بستگانشان آزاد شدند. و در مسیر حرکت ماشینها به نشانه شادی و سرور چراغ هایشان را روشن کرده و بوق میزدند و مورد با تکان دادن دست برایشان شادی و خوشحالی خود را بیان میداشتند. کمیته کردستان در این اطلاعیه نوشته است: "همینجا از تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران، همه کادرها و رفقای دست اندر کار این کمپین در سطح بین المللی باید نهایت قدردانی کرد. زیرا بدون تلاش گسترده و مستمر تشکیلات خارج حزب و همه رفقای دست اندر کار، این درجه از کسب حمایت و اعمال فشار بر جمهوری اسلامی ممکن نبود. بار دیگر همبستگی کارگری و همسرنوشتی انسانی نقش مهمی ایفا کرد و رژیم اسلامی را به عقب نشینی وادار کرد.

تاکسیرانان سقز؛ در اطلاعیه منتشره در تاریخ ۲۴ مه آمده است که صدها نفر از تاکسیرانان شهر سقز روز دوشنبه ۳ مه، به خاطر افزایش قیمت سر سام آور بنزین، دست به اعتصاب زدند. و خیابان ساحلی این شهر که اتحادیه تاکسیرانان در آن واقع است را یکسره بستند. ... تاکسیرانان گفته اند با توجه به وضعیت معیشتی و فقری که دامنگیر اکثریت مردم میباشد، گران شدن کرایه تاکسی باعث میشود مردم امکان استفاده از تاکسی را نداشته باشند. رانندگان تاکسی، همزمان با مطرح کردن خواست ارزان شدن نرخ بنزین، خواستار تعمیر خیابانها نیز شده اند. تاکسیرانان قبلاً خواسته های خود را با مقامات حکومتی و از جمله شهردار سقز در میان گذاشته و اعلام کرده بودند که اگر ترتیب اثری به خواسته هایشان داده نشود، دست به اعتصاب خواهند زد. ... مامورین انتظامی در خیابان ساحلی و مخصوصاً محوطه تجمع تاکسیرانان مستقر شدند. لازم به یاد آوری است که رانندگان تاکسی در این شهر در اعتراضات خود در گذشته خواستار تامین بیمه اجتماعی نیز شده اند. ... در این اطلاعیه، کمیته کردستان، مردم مبارز شهر سقز را به دفاع از خواست رانندگان تاکسی مبنی بر کاهش قیمت بنزین و تامین خواسته های دیگرشان فرا خوانده است. کامیاران؛ در هفته اخیر مردم در شهر کامیاران و منطقه گشکی دست به تجمع و

اعتراض وسیعی زدند. در اطلاعیه شماره ۵۲ به تاریخ ۱۷ مه، آمده است: روز دوشنبه ۱۷ مه، از ساعت ۱۰ صبح ماشینهای حامل مسافران از جمله یک مینی بوس در پست بازرسی ماموران رژیم در روستای گشکی در جاده کامیاران- مریوان مورد بازدید قرار گرفته اند. مزدوران رژیم به بهانه اینکه مسافران اجناس قاچاق همراه دارند، دست به پتراندازی میزنند، در نتیجه فردی به اسم "اقبال رحمانی، فرزند حبیب الله" جان باخته و ۲ دیگر زخمی میشوند. با پخش این اخبار هزاران نفر از مردم منطقه بطرف روستای گشکی حرکت میکنند و دست به تجمع و اعتراض میزنند. همزمان در شهر کامیاران نیز صدها نفر دست به تظاهرات زده و ماشینهای دولتی را در ترمینال تروه ریز سنگباران میکنند. رژیم ناچاراً نیروی ویژه به منطقه گشکی میفرستد، اما مردم معترض در مسیر، در چندین نقطه راه را بر نیروهای کمکی رژیم بطرف روستای گشکی با آتش زدن لاستیک بسته و ماشینهایشان را با پرتاب سنگ مورد حمله قرار میدهند. ... در محل تجمع مردم معترض خواهان معرفی جنایتکاران میشوند. مسئولان رژیم، امام جمعه کامیاران به اسم "ملا محسن حسینی" را به محل اعتراض آورده تا از مردم بخواد که تجمع اعتراضی را بر هم زده و متفرق بشوند. اما مردم به اعتراض خود ادامه میدهند. مردم با مزدوران رژیم درگیر میشوند و آنها را کتک کاری میکنند و اموال ضبط شده را از آنان پس میگیرند. ... در ادامه اعتراضات مردم در شهر کامیاران و منطقه وسعت پردهاخته شده است. در شهر کامیاران مردم اکثراً خیابانها و چهار راهها تجمع کرده و آتش روش کرده اند. و مسیر کامیاران- گشکی به فاصله ۱۰ کیلومتر را در کنترل خود گرفته اند. مردم شهر و روستاهای کامیاران در تجمعات اعتراضی خود، خواهان معرفی و مجازات جنایتکاران و همچنین پرداخت خسارت به خانواده اقبال رحمانی و ۲ نفر زخمی دیگر و باز پس دادن اجناسی که غارت کرده اند، شده اند. در این اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران، از مبارزات جسورانه مردم شهر و منطقه کامیاران علیه تعرض جانینان رژیم به جان و مال مردم قدردانی کرده و خواستار ادامه مبارزه تا معرفی جنایتکاران و پرداخت تمامی خسارات به قربانیان جنایتکارانه مزدوران و برچیدن پستهای بازرسی و کنترل رفت و آمد مردم منطقه شده است.